

واژه‌نامه مهندسی مکانیک (۶)

انگلیسی - فارسی

نوشته

J.L. Nayler & G.H.F. Nayler

برگرداننده

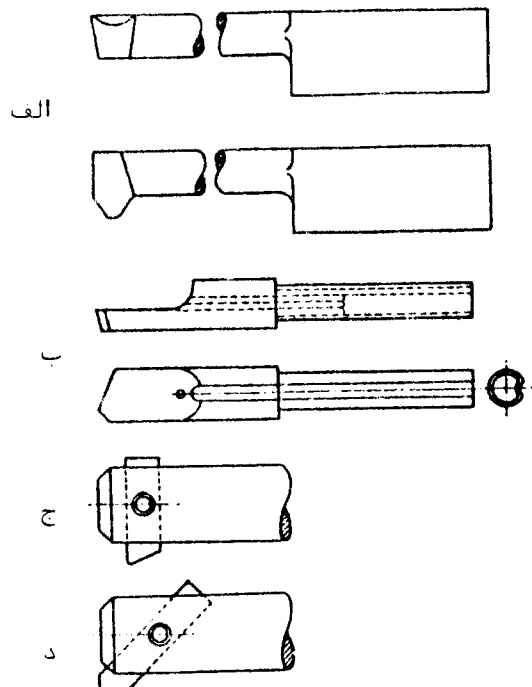
دکتر کاظم ابهری

دانشکده فنی دانشگاه تهران

الف) در شرح واژه‌ها، "نگا" "کوتاه شده" "نگاه کنید به" است.  
 ب) در شرح واژه‌ها، "ب" "کوتاه شده" "بسنجید یا" است.  
 پ) در شرح واژه‌ها، نشانه "W" جانشین واژه‌ای است که این نشانه در شرح آن به کار رفته است.  
 ت) واژه‌های انگلیسی که زیر آنها خط کشیده شده است جزء واژه‌های آن واژه‌نامه بوده، در جای خود شرح می‌شوند.  
 ج) از خوانندگان گرامی خواهشمندم اگر برای هر واژه، برابر فارسی بهتری از آنچه در این سرگردان آمده است می‌شناسند و یا برای واژه‌هایی که برابر فارسی آنها نیامده است واژه فارسی مناسبی سراغ دارند، اینجانب را به نشانی "دانشکده فنی دانشگاه تهران" آگاه نمایند. پیشاپیش از مهر و همکاری شما سپاسگزارم.

Booster pump  
 الف) تلمبه‌ای برای افزایش فشار مایع در سیستم لوله مدار بسته.  
 ب) تلمبه‌ای که فشار میان مخزن سوخت و موتور هواپیما یا راکت را مثبت نگه می‌دارد و در نتیجه جریان سوخت را شدت می‌بخشد.

Boost  
 فزونی فشار مکش موتور پیستونی (engine piston)  
 پرخورانده (Supercharged) افزایش جو، که به Pa اندازه گیری می‌شود.  
 Boost gauge  
 دستگاهی برای اندازه گیری فشار نسبی یا مطلق چند راهه (manifold) موتور پیستونی و پرخورانده.

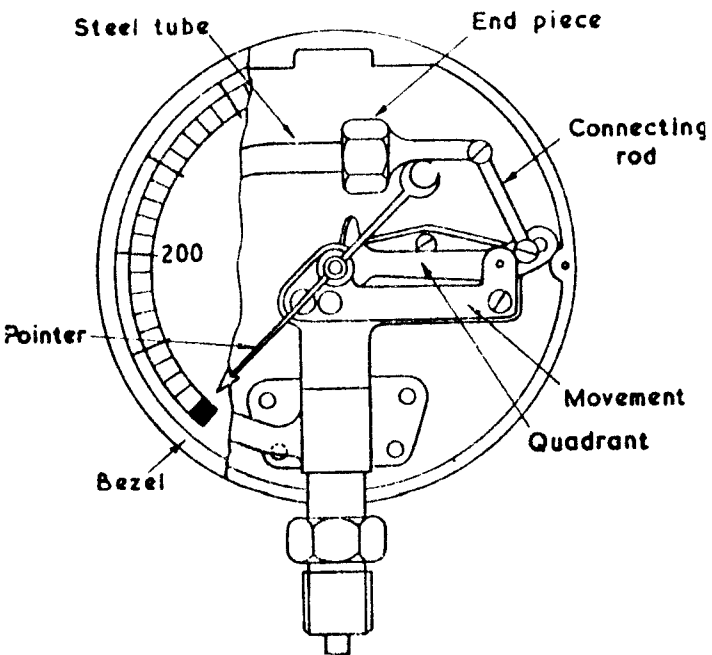


شکل ۱۴ - میله‌های سوراخ تراشی (الف) میله سوراخ تراشی (ب) سردنده سوراخ تراشی  
 شکل (ج) و (د) میله سوراخ تراشی تک نوک ۹۰° و ۴۵° برای سوراخهای کور.

<p>Boring mill ماشین سوراختراشی ایستاده ماشین سوراختراشی (boring machine) ایستاده که میز چرخنده آن قطعه کار را با خود می چرخاند و میله سوراختراشی (boring bar) آن آرمیده است .</p>	<p>Bore الف ( قطر درونی لوله یا استوانه (سیلندر) . ب ( بخش درونی جنگ افزار کوچک ، شامل جای خرج (chamber) و بخش خانکشی شده (portion rifled) . پ ( دیواره درونی سیلندر موتور یا تلمبه . نیز نگا . Cylinder bore</p>
<p>Boring stem میله سنگینی که سرته حفاری چاههای آرتزین به آن نصب می شود و با سنگینی خود به نیروی دمش (bloue) می افزاید . نیز نگا . boring tool</p>	<p>Boring الف ( سوراختراشی الف ( تراش سوراخ استوانه ای در یک قطعه کار (piece of work) ، با ماشین تراش (lathe) یا ماشین سوراختراش ایستاده (boring mill) . ب . drilling machine ب ( فرایند (process) حفاری زمین یا سنگ برای کار گذاشتن مواد منفجره ، یا به دست آوردن اطلاعات در باره آنها . نیز نگا . machine boring</p>
<p>boring tool ابزار سوراختراشی ابزاری که برای سوراختراشی به کار می رود و بر روی میله سوراختراشی (boring bar) نصب می شود . این ابزار معمولا دارای یک لبه برنده است در حالی که ابزار حفاری (drilling tool) دارای دو لبه برنده روبه رو در دو سمت آسه (axis) ابزار است .</p>	<p>Boring bar میله سوراختراشی میله استوانه ای سختپا (Stiff) که بر میز ماشین تکیه کرده ، با محورک (Spindle) ماشین سوراختراش (boring machine) به حرکت در می آید ، یا به رنده بند (tool post) ماشین تراش بسته می شود ، و ابزار سوراختراش را با خود حمل می کند . ش ۱۴ گونه های آن را نشان می دهد (نیز نگا . ش ۲۳) .</p>
<p>boss الف ( میانگاه (centre) یا تویی (hub) چرخ . ب (بخش استوانه ای شکل و برآمده یک قطعه ریخته گری و یا آهنگری شده ، ماشین ، که محور ، انگشتی (pin) یا پیچ دوسر (stud) بر آن تکیه داده می شود . پ ( بخش بزرگ محور چه چرخ بر روی آن خار می شود یا سرمحور ، که به محور دیگر جفت (Coupled) می شود . ت ( هر بخش برآمده قطعه</p>	<p>boring collar = cone plate</p>
<p>body boss برآمدگی بدنه شیر</p>	<p>boring flange = drill flange</p>
<p>برآمدگی بیرونی بدنه شیر (valve) که گوشت کافی برای اتصال شیر فراهم می آورد .</p>	<p>boring head حلقه تیغه نگهدار میله سوراختراشی (boring bar)</p>
<p>drain boss برآمدگی بدنه شیر تخلیه (drainage) نیز نگا . Propeller</p>	<p>boring machine ماشین سوراختراشی ماشین ابزاری برای تراش سوراخ استوانه ای ، که در آن قطعه کار روی میز بسته می شود و محورک گرداننده (driving spindle) ابزار را به حرکت در می آورد و خود در تکیه گاه آرمیده (fixed) ای می چرخد . ماشین سوراختراشی خوابیده (horisontal)</p>
<p>bossed up برآمده قطعه تهیه شده از راه فرجینگ (forging) را "برآمده" گویند هنگامی که (الف) بر روی سطح قطعه ، گرده (disc) دایره ای شکلی یا کلفتی محسوس پدید آید ، ب ( لبه این گرده یا ماشین تراش تراشکاری شود .</p>	<p>(boring machine) دارای محورکی است که یا می چرخد و یا همزمان با چرخش حرکت افقی نیز دارد . ماشین سوراختراشی ایستاده (vertical) محرک ایستاده دارد و همانند ماشین متنه شعاعی (رادیال) است . به این ماشین برای تراش سیلندر موتور (بلوکه سیلندر) به شمار سیلندرها محورک می خورد تا کار تراش سیلندرها با یک راه رفت و برگشت ابزار انجام شود .</p>
<p>boosing machine چکش بخاری (steam hammer) هنگامی که برای جوش دادن برآمدگی (boss) چرخ واگنها ، در دمای مناسب ، به کار می رود .</p>	

boundary lubrication	روغنکاری لایم‌ای
<p>روغنکاری میان دو سطح با یک لایه بسیار نازک روغن، به‌گونه‌ای که روغن به هر دو سطح بچسبد. کلفتی لایه روغن، مثلاً "اسید چرب بازنجیره" ملکولی دراز، یک یا حداکثر چند ملکول باید باشد.</p>	
Bourdon gauge	فشارسنج بوردون
<p>(pressure gauge) لوله فلزی خمیده با پرشگاه بیضی شکل که سرآزاد آن بسته و سردرگیر آن بر روی فشارباز است. فشار لوله را به راست شدن می‌کشاند و حرکت لوله بر روی یک صفحه مدرج مثبت می‌شود. از این رو گاه آن را فشارسنج عقربه‌ای (dial gauge) می‌نامند. (نگا. ش ۱۵ و ش ۱۸۸).</p>	
bow	الف (حلقه دور ساعت جیبی ب) کمان
<p>الف (حلقه دور ساعت جیبی که زنجیر به آن بسته می‌شود. ب) نوار انعطاف‌پذیری از دندانواره‌های وال (whalebone) یا نی (Cane) که دوسر آن به هم نزدیک و به ریسمانی بسته شده است که آن ریسمان را، که یک یادو دور به دور فرقه ای پیچیده شده است و درل یا محوری را می‌چرخاند، به حالت کشیده نگه می‌دارد. از این رو این درل را "کمان‌مته" (bow drill) می‌نامند.</p>	

bottle jack	جک پیچی (screw jack)
<p>شکل است و معمولاً "درپهلوی آن دسته‌ای برای حمل کار گذاشته شده است.</p>	
bottom clearance	کمترین فاصله میان سردندانۀ یک چرخدنده ته‌فضای میان‌دندانهای، چرخدنده درگیر با آن.
bottom dead-centre=	نقطه مرگ پایین
<p>outer dead-centre.</p>	
bottom end	سر (end) انگشتی لنگی (crank-pin)
<p>شاتون موتور کشتی.</p>	
bottom plate (dial plate)	صفحه‌ای در ساعت مچی که ستونهای ساعت (pillars) بر آن استوار می‌شود.
bottom rake	زاویه آزاد
<p>(angle of relief) زاویه آزاد</p>	
<p>(Cutting tool).</p>	
bottom tool	نیمه پایینی قلم شیارزنی آهنگری (fullering tool).
bottoming	برخورد به ته چیزی آنچنان که حرکت آزاد مکانیکی آن را کند کند، همچون برخورد دندانۀ چوبی (Cog) به ته فضای میان دودندانۀ چرخدنده درگیر با آن.
<p>نگا. bottom.</p>	
bottoming tap	فلاویز پرداخت
<p>plug tap.</p>	
bouncing pin	پسگیرانش (ریتارد) سنج
detonation meter	دستگاهی برای تعیین کمی درجه پسگیرانش (ریتارد) (detonation) موتور پیستونی. این دستگاه برای آزمون کامل (full testing) به کار می‌رود.



ش ۱۵- فشار سنج بوردون

